

علی □ و چالش‌های عصر خلافت

محمد رحیم عیوضی*

چکیده

پس از رحلت پیامبر □ نظام سیاسی تازه تاسیس اسلام با چالش اندیشه‌ای - سیاسی مواجه شد و مبانی نظری سیره نبوی در تبیین حکومت اسلامی را به مسیری دیگر کشاند و سر آغاز تحول فکری جدیدی در مفهوم حکومت اسلامی گردید. سرانجام این چالش‌ها، شرایط و اوضاع جوامع اسلامی را به گونه‌ای ترسیم کرد که جهان اسلام با دو شکل از حکومت، یکی بر پایه سیره نبوی و ادله قرآنی و دیگری با ملاحظه عرف و مقتضیات زمانه، به دو نظریه امامت و خلافت انجامید؛ به گونه‌ای که می‌توان دوران خلافت را اساسی‌ترین چالش نظریه‌سازی در جهان اسلام نامید که به ارائه دو دیدگاه اهل سنت و تشیع انجامید. هر دو دیدگاه معتقد بودند رهبری پس از پیامبر از آن کسی است که زمام امور را به دست گیرد و به تنظیم امور بپردازد. با این حال، در مورد حیطه صلاحیت و قلمرو اختیارات وی کاملاً دو نظر مختلف مطرح گشت. همین امر سبب شد ماهیت خلافت و شرایط امامت به دو گونه جلوه کند و چالش نظری امامت را شدت بخشد.

این مقاله در پی تبیین چالش‌های فکری - سیاسی عصر امام علی □ و بازتاب سیاسی - اجتماعی این چالش‌ها در بروز تحولات سیاسی - اجتماعی در امت اسلامی است که هم‌گرایی و وحدت جهان اسلام را خدشه‌دار ساخت. شرایط امروز جهان اسلام که اثر پذیرفته از دگرگونی‌ها فکری - سیاسی پیشین است، ضرورت تبیین استراتژی فراگیر جهت پویایی وحدت اسلامی را فراهم می‌سازد. در این راستا، رفتار فکری - سیاسی امام علی □ در جایگاه الگویی برای وحدت امت اسلامی، می‌تواند به پویایی استراتژی وحدت در جهان اسلام کمک کند.

واژگان کلیدی: چالش‌های فکری - سیاسی، وحدت جهان اسلام، انحراف‌های

دینی، تبعیض، فساد اجتماعی.

* دانشیار دانشگاه بین‌المللی امام خمینی □

تاریخ دریافت: ۱۳۸۶/۶/۳۰ تایید: ۱۳۸۶/۸/۱۴

مقدمه

تلاش‌های پیامبر اکرم \square در معرفی، دعوت و نهادینه کردن احکام و شعائر اسلامی با رحلت ایشان متوقف شد؛ در حالی که پی‌گیری این مهم، پس از ایشان از سوی افرادی شایسته، کاملاً احساس می‌شد. در این راستا، پیامبر اکرم \square اقداماتی افزون بر سیره عملی‌شان انجام دادند که عبارتند از: نصب امام علی \square به عنوان جانشین و بیان حدیث تقلین. اما آنچه رخ داد، بر خلاف دیدگاه پیامبر اکرم \square بود؛ زیرا فرهنگ جاهلیت چیزی نبود که به سادگی پاک شود؛ چرا که از یک سو قدمت فراوانی داشت و به طبع دو دهه مبارزه با آن که حتی از طول عمر یک انسان هم تجاوز نمی‌کرد، نمی‌توانست ریشه‌های آن را بخشکاند. از سوی دیگر، این فرهنگ از منابعی تغذیه می‌کرد که در خواهش‌های نفسانی آدمی ریشه دارند که اگر مهار و هدایت نشوند، خود به خود منشأ رشد فرهنگ جاهلی (فرهنگ مغایر با اصول قرآن) می‌شوند. نتیجه تقابل فرهنگ قرآنی با فرهنگ جاهلی در زمان حیات پیامبر اکرم \square ، غلبه فرهنگ قرآنی بود، ولی پس از رحلت ایشان، وضعیت معکوس شد؛ یعنی به تدریج صورت‌های فکری جاهلیت از نو پدیدار گشتند و آموزه‌های فرهنگ قرآنی، از متن جامعه اسلامی به حاشیه رفت. نطفه این تغییر وضعیت، در تصمیم‌های اشتباه سقیفه بسته شد. کنار نهادن مهم‌ترین حامی قرآن و هدایتگر بدان، اولین انحراف اساسی به شمار می‌رود که به سامان‌دهی چالش‌های سیاسی - فکری عصر خلافت انجامید و امام علی \square را با تحولات سیاسی - اجتماعی ناشی از این چالش‌ها مواجه ساخت. در این مقاله، تجزیه و تحلیل ابعاد مختلف این چالش‌ها و نگرش امام علی \square به هر کدام بررسی خواهد شد. پرسش عمده مقاله این است که چالش‌های فکری - سیاسی عصر امام علی \square چیست؟ و راهبرد عملی امام علی \square در این چالش‌ها در پویایی وحدت امت اسلامی چگونه تبیین می‌شود؟

خلفای پیامبر و تحولات سیاسی - فکری عصر

تا زمام حکومت به امام علی \square رسید، دو سال و چند ماه، خلیفه اول، ده سال و شش ماه خلیفه دوم و حدود دوازده سال خلیفه سوم زمام حکومت بر امت اسلامی را بر عهده داشتند. در دوران پیش از خلافت امام علی \square دگرگونی‌های فکری اساسی به وقوع پیوست. دگرگونی‌های انحرافی به اختصار عبارتند از: کنار نهادن امام از منصب خلافت،

بی توجهی به آموزش تفسیری قرآن کریم، تعلیم آن به صورت مستقل و منهای تفسیر، اجتهاد در برابر نص قرآن کریم و بی‌اعتنایی به احکام قرآن، ورود غیرنخبگان به مباحث دینی، تقدم یافتن حدیث (فرع) بر قرآن (اصل)، جعل حدیث و... .
به طور مشخص می‌توان دگرگونی‌های سیاسی - فکری پس از رحلت پیامبر را به صورت زیر دسته‌بندی کرد:

۱. انحراف‌های دینی

وقوع این انحراف‌ها در حالی است که پیامبر اکرم □ در واپسین روزهای حیاتشان در حدیث «ثقلین»، تکلیف امت اسلامی را برای ادامه راه و صراط مستقیم روشن ساخت و عصارهٔ زحمات خود را به امت اسلامی هدیه کرد:
انی تارک فیکم الثقلین کتاب الله و عترتی اهل بیتی ما ان تمسکتُم بهما لن تضلوا ابدًا و انهما لن یفترقا حتی یردا علی الحوض. (صدوق، ۱۳۷۰ش: ص ۱۲۳)
به این ترتیب، دو راهنمای جامعه اسلامی، قرآن و اهل بیت. قرآنی که رسول خدا □ درباره‌اش فرمود:

وقتی فتنه‌ها چون پاره‌های شبی دیجور راه خدا و راه نجات را بر شما مشتبه کردند، در آن هنگام به قرآن روی آورید که او شافعی است که شفاعت و وساطتش قطعی است و شکوه‌گری از نقائص بشر است که خدا او را تصدیق کرده است. هر کس آن را پشت سر اندازد و به برنامه‌هایی دیگر عمل کند، همان قرآن او را از پشت سر به سوی آتش می‌راند. قرآن دلیلی است که به سوی بهترین سبیل راه می‌نماید و آن کتاب تفصیل و جداسازی حق از باطل است.
قرآن بر قوام بودن کتاب و حکمت تأکید دارد و می‌فرماید:
يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ. (آل عمران: ۳) (۱۶۴)

نکته مهم در زمینه روش پیامبر، تأکید بر تفسیر و آموزش قرآن است که باید مسلمانان به این سیره نبوی احتجاج کنند. در این زمینه، علامه سیدمرتضی عسگری می‌گوید که آن گاه که قرآن نازل می‌شد، همراه با قرآن، بیان و تفسیرش نیز بر پیامبر □ وحی می‌شد و پیامبر □ هرگاه تلاوت لفظ قرآن را به اصحاب تعلیم می‌فرمود، تفسیر و معنای قرآن را نیز به ایشان آموزش می‌داد و صحابه تفسیری را که از پیامبر □ شنیده بودند، همراه با لفظ قرآن می‌نوشتند؛ مانند قرآن‌هایی که امروزه با تفسیر نوشته شده است. این تفسیرها در اصل قرآن

نبودند، ولی به وسیله وحی یا غیر لفظ قرآنی بر پیامبر □ نازل می‌شده است. (عسگری، ۱۳۷۹: ج ۱۶، ص ۳۷ و ۳۸)

به این ترتیب فهم، قرآن نزد عموم دست‌خوش نقصان و آسیب گردید و راه برای ورود غیرنخبگان دینی و زمینه برای سوء استفاده از دین از سوی حکام فراهم شد. از این رو چالش فکری دوران خلافت با جاهل نگه‌داشتن مردم به قرآن و تقویت شاخص‌های مهم فرهنگ جاهلی تشدید گردید.

در شرایط فوق، ظلم‌پذیری به عنوان مکمل زورگویی ظالمان، جامعه اسلامی را به حالت رکود و بی‌اعتنایی درمی‌آورد؛ وضعیتی که فارغ از حساسیت‌های قرآنی (معروف‌ها و منکرها)، زندگی روزمره را هر چه بیشتر به بیهودگی کشاند. گسست و سرانجام قطع روابط متقابل مردم و حکومت و منکر شناختن انتقاد، حیات فکری جامعه را به طور جدی تهدید می‌کرد و بی‌توجهی به آن سبب حاکمیت ولایت فکری گروهی بر کل جامعه اسلامی می‌شد و این به معنای پایان زندگی انسانی بود.

این سیر نزولی مانند هر تغییر اجتماعی دیگر، به تدریج پرورده شد. از همین رو، دوران زمامداری امام علی □ به مبارزه با این انحراف‌ها گذشت. آنچه این سیر نزولی را سرعت بخشید و تقویت کرد، منع کتابت حدیث از یک سو و تقدم آن بر قرآن از سوی دیگر بود. به این ترتیب، معیارها و محک‌های جامعه اسلامی از میان رفت؛ در حالی که پس از قرآن، دومین منبع برای اجتهاد همانا سنت است که مشتمل بر «حدیث» (سنت گفتاری) و «سیره» (سنت کرداری) است.

یکی از عوامل اثرگذار بر تشدید چالش‌های سیاسی - فکری، منزوی ساختن تدریجی قرآن از حیات اجتماعی مؤمنان بود که در پی آن «سنت» نیز به عنوان صورت تجسم‌یافته و عینی شعارها و شعائر اسلامی، مورد بی‌اعتنایی قرار گرفت. این روند در مرحله بعد به جعل حدیث انجامید.

پرسش این است که آیا از کتابت حدیث جلوگیری به عمل آمد؟ آیا عالمان و محدثان عامه بنابر «حسبنا کتاب الله» بر این باورند که حدیث تا پایان قرن اول تدوین نشده است. برخی نیز فراتر از آن را پنداشته‌اند. این ممنوعت در حالی وضع و اجرا شد که در زمان پیامبر □ بسیاری از صحابه به نگارش حدیث و نقل آن می‌پرداختند.

اما پس از پیامبر □، حاکمیت، تدوین حدیث و کتابت سنت و بلکه نشر آن را ممنوع ساخت و بسیاری را در این باره تهدید و تنبیه کرد.

این گونه اجتهادهای فردی در مقابل روش‌های آشکاری که پیامبر اکرم □ در زندگی خود عرضه کرد، بیش از پیش سبب شد معروف‌ها و منکرهای قرآنی از تأثیرگذاری در جامعه اسلامی کنار گذاشته شوند. البته دلسوزان جامعه اسلامی از همان آغاز خط انحراف را شناختند و در مورد گرایش به آن هشدارها دادند. حضرت فاطمه زهرا □ به تفصیل در دو خطبه‌ای که پس از رحلت رسول اکرم □ ایراد فرمود، از انزوای قرآن، جابه‌جایی معروف‌ها و منکرهای قرآنی، کنار نهادن اهل بیت و فرجام چنین روندی - تباهی و انحطاط امت - سخن به میان می‌آورد.

ادامه این روند، جامعه ایستایی را پروراند و شرایطی را فراهم ساخت که بعدها در دوره معاویه حاکمیت استبداد اندک اندک فراهم گردد. استبداد بر بی‌فکری استوار است و در جامعه استبداد زده، چون و چرا پذیرفته نیست؛ زیرا ملاک و معیاری جز خواسته‌های حاکمان وجود ندارد و از این رو، فرصت برای رفع اشکالات و اعمال اصلاحات لازم پدید نمی‌آید.

در نتیجه دوران خلفای اسلامی که زمینه‌ساز شرایط آینده جامعه اسلامی در محضر امام علی □ را فراهم ساخت، به تدریج زمینه چالش‌های فکری - سیاسی فراهم شد. مهم‌ترین زمینه‌سازی‌های این اتفاق، با عدول از قرآن و سنت پیامبر □ همراه بود. در این دوران، ارتباط سرچشمه‌های جوشان فرهنگ قرآنی با جامعه تازه مسلمان شده قطع گردید و بستر رشد دوباره علایق جاهلی فراهم آمد.

در تشخیص و جهت‌یابی مسیر انحراف بر مبنای حدیث شریف تقلین، می‌توان دریافت که خروج امت اسلامی از مسیر هدایت الهی به علت فراموش شدن دو هدیه گران بهای پیامبر خاتم □ بود؛ دو هدیه‌ای که نقش فرهنگ‌سازی در امت اسلامی ایفا می‌کردند؛ زیرا فرهنگ هر قومی طرز تفکر آن را نمایان می‌سازد. از این رو، فرهنگ از اثرگذارترین عناصر در عملکرد و سلوک هر قومی است. بنابراین، می‌توان گفت فرهنگ‌سازی قرآنی مهم‌ترین هدف هر جامعه‌ای است که می‌خواهد اسلامی شود. مهمترین چالش چنین جامعه‌ای نیز وارد آمدن خلل در روند فرهنگ‌سازی بر اساس اصول قرآن است.

با توجه به آنچه گذشت، مجموعه تحولات فکری پس از دوران خلافت، به صورت نمودار ارائه می‌گردد:



۲. رعایت نشدن عدالت اقتصادی

نخستین تحول پس از رحلت پیامبر □، مشکل رعایت عدالت اقتصادی بود که بر قلمرو فکری - سیاسی جامعه تأثیر گذاشت؛ یعنی تقسیم سرمایه بر اساس پیشنهاد اسلامی افراد و ترکیب قبایلی تنظیم شد. کسانی که زودتر اسلام آورده بودند، سهم بیشتری می گرفتند. این امر در زمان عثمان شدت گرفت و امام علی □ وقتی که بر سر کار آمد، در نخستین خطبه‌اش اشاره به این نکته، فرمود او تنها بر اساس سیره رسول خدا □ عمل خواهد کرد و امتیاز مهاجر و انصار را بر دیگران، تنها برتری معنوی خواند که نزد خداوند محفوظ است. از این رو چه به غلام تازه آزاد شده سهل بن حنیف و چه به نخبگان قریش، به یکسان سه دینار پرداخت. (ابن ابی الحدید، ۱۳۸۰ق: ج ۷، ص ۳۷ - ۴۲) این نوع تقسیم بیت‌المال، زمینه‌ساز مخالفت‌های گروهی از بنی‌امیه و نیز طلحه و زبیر شد. جدی شدن مخالفت‌ها به این روش، سبب شد کسانی از اصحاب نزد امام رفتند و از او خواستند به گونه‌ای دیگر عمل کند، ولی عملکرد امام در دوران خلافت از مسیر عدالت خارج نشد و این اقدام به سیاسی شدن تحولات درون جامعه انجامید. شعار امام علی □ «قسم بالسویه و عدل فی الرعیه» (اسکافی، ۱۳۷۴ش: ص ۲۲۷؛ کندهلوی، ۱۳۶۴ق: ج ۲، ص ۱۱۳)

۳. تبعیض

یکی از پی‌آمدهای فتوحات پس از رحلت رسول اکرم □ اختلاط نژادهای مختلف عرب، ایرانی، نبطی، رومی و بربر بود. بسیاری از آن‌ها با مهاجرت یا به قصد جنگ، به نقاط دیگر برده شده یا رفته بودند. گروه دیگری اسیران جنگی بودند که از مناطق مختلف به شام، عراق و حجاز آورده می شدند. اسیران آزاد شده را «موالی» می‌نامیدند. یکی از دشواری‌های حکومت، نوع برخورد با این مسئله بود. در زمان خلفا، طبقه موالی از اعراب پایین‌تر و از حقوق کمتری برخوردار بودند. (الزهري، ۱۳۷۵ق: ج ۳، ص ۳۴۲) و تفاوت‌هایی میان نژادهای مختلف قائل بودند. این مسئله چالش‌های اجتماعی را همواره شدت می‌بخشید و قشربندی‌های اجتماعی را با تبعیض و محرومیت از برخی امکانات و موقعیت‌های اجتماعی مواجه می‌ساخت. در حالی که جامعه اسلامی دوران پس از پیامبر □ از نظر تنوع قومی و نژادی بیش از هر زمان دیگری به وحدت و انسجام نیاز داشت. امام علی □ در

دوران خلافت خویش همواره با این تبعیض مقابله کرد و کوچک‌ترین تمایزی میان اقشار، اقوام و نژادهای اجتماعی قائل نشد.

۴. بدعت‌گزاری‌ها و انحراف‌های دینی

یکی از چالش‌های فکری عصر امام علی علیه السلام، پیدایش انحراف‌های دینی بود؛ همان چیزی که اصحاب با عنوان بدعت‌گرایی، عثمان را بدان متهم کرده بودند. جدا از بدعت‌ها، مشکل مهم دیگری که گریبان‌گیر جامعه اسلامی آن زمان شده بود، فقر آگاهی درست از دین بود که زمینه پذیرش انحراف‌ها و بدعت‌ها را فراهم می‌ساخت. یکی از نمونه‌های عینی این مسئله آن بود که برخی از صحابه با وجود حجیت قرآن و سنت در میان مسلمانان، براساس «مصلحت‌گرایی» احکامی را مطرح می‌کردند که به شکل‌گیری چالش‌های فکری می‌انجامید. در منابع حدیثی و تاریخی، دلایل روشنی در این باره وجود دارد. عبارت ابوجعفر نقیب، روشن‌ترین عبارتی است که یک اهل سنت معتدل در این باره ابراز کرده است. او می‌گوید: صحابه به طور یکپارچه بسیاری از نصوص (کلمات رسول خدا صلی الله علیه و آله) را ترک کردند و این به دلیل مصلحتی بود که در ترک آن‌ها تشخیص می‌دادند؛ مانند سهم ذوی القربی و سهم مؤلفه قلوبهم. (ابن ابی حدید، ۱۳۸۰ق: ج ۱۲، ص ۸۲ - ۹۰)

امام علی علیه السلام در خطبه مفصلی با نقد این نگرش، تعهد خود را به سنت نشان داد و فرمود:
 آیا آنچه خدا فرستاده دینی ناقص است و خدا در کامل ساختن آن از ایشان یاری خواسته؟... (نهج البلاغه، خطبه ۱۸)

در این دوران صحابه به خود حق می‌دادند در برخی از امور قانون‌گذاری کنند و سنت را کنار گذارند؛ مثل آنکه عثمان بر خلاف پیامبر و حتی خلفای پیش از خود، نمازش را در منی تمام خواند.

مسلمانان به مرور، افعال و اعمال خلفا را به صورت سنت شرعی تخطی ناپذیر پذیرفتند و این وضعیت موجب تزلزل در وحدت در احکام مبتنی بر سنت پیامبر گردید. امام علی علیه السلام نیز به شدت می‌کوشیدند با این بدعت‌ها و انحراف‌های دینی مقابله کند؛ زیرا این رویه را خطر بزرگی برای وحدت امت اسلامی می‌دانست؛ به گونه‌ای که ضمن مخالفت شدید با نماز «تراویح»، در مقابل اصرار بر امام جماعت شدن در این نماز سر باز زد و در مقابل اصرار مردم فرمود:

رهایشان کن تا هر کاری می‌خواهند بکنند و هرکس را می‌خواهند به امام جماعت برگزینند. (نجفی، ۱۳۳۳ش: ص ۱۴۹)

این نقل نشانگر آن است که امام با چه چالش‌های فکری سر و کار داشته است و چگونه آنها را برای وحدت اسلامی مخاطره‌آمیز می‌دانست.

۵. رفاه‌گرایی شدید و فساد اجتماعی

یکی دیگر از چالش‌های فراروی امام علی ، رفاه‌گرایی شدید مردم و فساد اجتماعی بود که سبب تضعیف آرمان‌ها و ارزش‌های دینی در جامعه شد. به طوری که به دین جز در ظاهر، بهای چندانی داده نمی‌شد. در زمان عثمان با شکل‌گیری روحیه رفاه‌طلبی در ساختار نظام سیاسی، همین روحیه در مردم نیز پیدا شد و به تدریج جامعه را از نظر دینی گرفتار کرد. جامعه‌ای که گرفتار فتنه و فساد شود، به سادگی نمی‌تواند خود را به تعادل اخلاقی برساند. امام علی در یکی از خطبه‌های خود جامعه روزگار خود را همانند جامعه جاهلی معرفی می‌کند. و می‌فرماید: وضعیت امروز شما همانند روزی شده است که خداوند رسولش را مبعوث کرد. (نهج‌البلاغه، خطبه ۱۶)

نگرانی امام علی و مقایسه جامعه خویش با جامعه دوران بعثت پیامبر ، بر تفکر جاهلی، تفرقه و اختلاف و... دلالت دارد.

شکل‌گیری دیدگاه متفاوت درباره رهبری جامعه

یکی از عوامل ایجاد چالش فکری - سیاسی در عصر خلفا، دیدگاه‌های متفاوت در مورد امامت و خلافت است که به خودی خود منشأ رویکرد سیاسی و اعتقادی شد و به ایجاد زمینه بروز اختلافات و چالش انجامید. از این رو، برای جریان‌شناسی اختلاف‌ها و بروز چالش‌ها، تبیین این دو دیدگاه ضروری است.

در مسئله خلافت پس از رحلت رسول گرامی ، دو دیدگاه متفاوت وجود دارد: یکی دیدگاه اهل سنت و دیگری دیدگاه شیعه. هر دو گروه بر آنند که خلیفه پس از پیامبر کسی است که زمام امور را باید به دست گیرد و به تنظیم امور پردازد، ولی در قلمرو فعالیت، حدود اختیارات، ویژگی‌ها، شرایط و صلاحیت‌های وی اختلاف وجود دارد. ریشه‌یابی منشأ چنین چالشی در امت اسلامی، پی‌آمدهایی منفی در پی داشت و فرآیند وحدت

اسلامی را با چالش مواجه ساخت. اساساً خلافت در اهل سنت جزء فروع دین و از شاخه‌های امر به معروف و نهی از منکر است.

سعدالدین تفتازانی می‌گوید:

لا نزاع فی ان مباحث الامامة بعلم الفروع البق. لرجوعها إلى أن القيام بالامامة و نصب الامام الموصوف للصفات المخصوصه من فروض الكفایات... و لا خفاء ان ذلك من الاحكام العمليه دون الاعتقاديه. (تفتازانی، ۱۳۶۸ق: ص ۳۹۵)

بی‌شک گفت و گو درباره امامت در علم فروع شایسته‌تر است؛ زیرا واقعیت امامت به این برمی‌گردد که امامی با صفات ویژه‌ای برای اداره امور از طرف امت منصوب گردد. به علاوه، این کار از احکام عملی و فرعی است نه اعتقادی.

این در حالی است که شیعه امامیه آن را یکی از اصول می‌داند. البته نه از اصول دین، بلکه از اصول مذهب بر می‌شمارند؛ بدین معنا که ایمان و کفر به مسئله امامت بستگی ندارد. با این حال، تکمیل ایمان و نجات اخروی در گرو اعتقاد به این اصل است.

بنابراین، اختلاف در مسئله خلافت چه از نظر حکم نصب امام (که بر عهده خداست یا امت) و چه از نظر موضوع و متصدی (امام علی □ یا ابوبکر)، بسان اختلاف در دیگر مسائل فرعی مانند اختلاف در جواز مسح بر جوراب یا کفش یا عمل به قیاس خواهد بود. همان‌گونه که اختلاف در دو حکم یاد شده، هیچ گاه مایه جنگ و جدال نبوده است، مسئله خلافت نیز چه از نظر حکم کلی و چه از نظر متصدی، نباید مایه جنگ و جدال شود.

اختلاف در اینکه خلافت جزء فروع احکام است یا اصول، سبب اختلاف در ماهیت خلافت و امامت شده است. امام در نزد اهل سنت، شبیه رئیس دولت است که امروزه افراد از راه‌های گوناگون به چنین مقامی می‌رسند؛ گاهی مردم و گاهی نمایندگان مردم در مجلس شورا او را برمی‌گزینند و گاه با کودتای نظامی بر سر کار می‌آیند. در این گونه فرمان‌روایی شرطی جزء لیاقت و شایستگی برای اداره امور و آگاهی اجمالی از شریعت، چیز دیگری لازم نیست. در طول مدت خلافت، خلفای اموی و عباسی، به عنوان جانشینان پیامبر بر مردم حکومت کردند و برخی نیز فاقد بعضی از این شرایط بودند.

ابوبکر باقلانی می‌گوید:

امام با نافرمانی خدا و غضب اموال مردم و زدن چهره‌ها و دست‌درازی به خون‌های حرام و نابودی حقوق دیگران و اجرا نکردن حدود الهی، از مقام و موقعیت خود برکنار

نمی‌شود، بلکه بر امت است که او را نصیحت کند و بترساند و در مورد گناه از او فرمان نبرد. (باقلانی، ۱۳۳۶ق: ص ۲۱۴)

این سخن، تنها سخن ابوبکر باقلانی نیست. برای مثال تفتازانی می‌گوید:
 امام از طریق فسق، یا بیرون رفتن از طاعت خدا و یا ستم بر مردم، از امامت خود برکنار نمی‌شود؛ زیرا در گذشته از امیران و خلفا، فسق و جور دیده شده است، ولی پیشینیان از بیعت خود دست برنداشته و مطیع آنان بوده‌اند، و نماز جمعه و اعیاد را به اذن آنان برگزار می‌کردند و به خود اجازه شورش بر ضد آنان نمی‌دادند. از کتاب‌های فقهی شافعیه نقل شده است که اگر قاضی فاسق شد، خود به خود از منصب خویش منعزل می‌شود، ولی امام با فسق از مقام خود برکنار نمی‌گردد نکته آن این است که عزل قاضی و نصب دیگری در جای آن مشکلی پدید نمی‌آورد، به خلاف عزل امام که مایه فتنه‌ها است؛ زیرا امام دارای شوکت و عظمت است. (تفتازانی، ۱۳۷۸ق: ص ۱۸۵ و ۱۸۶)

طبعا وجود چنین نگرشی به مسئله رهبری جامعه اسلامی بدون ملاحظه شرط عدالت و صلاحیت رهبری و...، جامعه را با چالش‌های سیاسی - اجتماعی مواجه خواهد کرد. در این نگرش آنچه درباره امام گفته می‌شود، بسان سیاست مداری عادی است که امت را در زندگی رهبری می‌کند و برای اشغال این مقام طریق خاصی نیز معین نشده است؛ حتی با کودتای نظامی نیز حائز این مقام می‌گردد. (بهشتی، ۱۳۸۴ش: ش ۵۳۸)

امام از دیدگاه شیعه

اگر امام نزد اهل سنت سیاست مداری عادی است که وسائل زندگی مردم را تأمین و حدود الهی را اجرا می‌کند، در نزد شیعه امامیه، امامت به سان نبوت یک منصب الهی است تفاوت این دو (پیامبر و امام) در این است که پیامبر مؤسس دین و مخاطب وحی الهی است؛ در حالی که امام فاقد این دو منصب است، ولی دیگر وظایف پیامبر از نظر دینی و دنیوی بر دوش اوست.

بنابراین، امام افزون بر اینکه وسائل زندگی مردم را تأمین می‌کند، امنیت را نیز برقرار می‌سازد، حدود الهی را اجرا می‌کند و به دفاع و جهاد می‌پردازد. امور زیر نیز بر عهده او است:

۱. تفسیر قرآن مجید: قرآنی که بزرگ‌ترین و جاودانه‌ترین معجزه پیامبر و مشعل نورانی مسلمانان تا روز رستاخیز است؛ همان‌گونه که پیامبر نیز به تفسیر آن می‌پرداخت.
۲. بیان احکام و موضوع‌های نوینی که در عصر رسول خدا □ وجود نداشته است؛

۳. دفاع از حریم عقاید و احکام کلامی و پاسخ به شبهه‌ها و پرسش‌های موافقان و مخالفان؛
 ۴. مراقبت از دین در برابر تحریف، و نگهداری از آن در برابر انحراف‌ها در اصول و فروع.
 تعریف امامت از نظر شیعه چنین است:
 رئاسة عامة فی امور الدین و الدنيا نیابة عن النبی □.

بنابراین، در یک نگاه کلی، نخستین مرحله از تاریخ سیاسی و اجتماعی شیعه با رحلت پیامبر اکرم □ آغاز می‌شود و تا شهادت امیرمؤمنان □ ادامه می‌یابد. در آغاز این دوره، مسئله خلافت و امامت به عنوان مهم‌ترین چالش سیاسی و دینی در دنیای اسلام مطرح گردید و با اختلاف‌هایی که در این باره پدید آمد، شیعه به عنوان گروهی از مسلمانان که در مسئله امامت به نصب و نصّ نبوی قائل‌اند، نمایان شدند. از سوی دیگر، جمعی از مهاجران و انصار که در سقیفه بنی‌ساعده گرد آمده بودند تا در مورد خلیفه پیامبر و پیشوای مسلمانان تصمیم بگیرند، پس از بحث‌های فراوان، اکثریت آن‌ها با ابوبکر به عنوان خلیفه پیامبر □ و رهبر جامعه اسلامی بیعت کردند. بدین ترتیب، ابوبکر زمام امور را در دست گرفت و دو سال و هفت ماه عهده‌دار این امر بود.

با این توضیح، شرایط جامعه‌شناختی این دوران انعکاسی از اختلاف بر سر مسئله جانشینی پیامبر است، ولی امام علی □ همواره با تقویت راهبردی حفظ وحدت، از بروز اختلاف جلوگیری می‌کرد و با همکاری خلفا و اصلاح امور، در پویایی رسالت پیامبر □ می‌کوشید. همچنین با تأکید بر مشترکات نبوی، جامعه را به آرامش، ثبات و حفظ امنیت هدایت می‌کرد. برای مثال، پیروان و هواداران امام علی □ در گفت‌وگویی روشنگرانه با ابوبکر، اعتقاد خود را درباره خلافت و امامت بی‌فصل علی □ بیان کردند. شیخ صدوق نام دوازده تن از مهاجران و انصار را که در مورد امامت علی □، با ابوبکر به احتجاج پرداختند را نقل کرده است.* البته از عبارت وی برمی‌آید که احتجاج کنندگان تنها دوازده نفر نبودند؛ زیرا پس از ذکر نام آن‌ها گفته است: «و غیرهم». در پایان نیز، با اشاره به سخنرانی زید بن وهب گفته است: «فقام جماعه بعده فتکلموا بنحو هذا». این گروه نخست

* آنان عبارتند از: خالد بن سعید بن عاص، مقداد بن اسود، عمار بن یاسر، ابوذر غفاری، سلمان فارسی، عبدالله بن مسعود، بریده اسلمی (از مهاجران)، و خزیمه بن ثابت، سهل بن حنیف، ابو ایوب انصاری، ابو الهیثم بن تیهان و زید بن وهب (از انصار).

با یکدیگر به مشورت پرداختند. نظر برخی از آنان این بود که هرگاه ابوبکر بر فراز منبر رفت، او را از منبر فرود آورند، ولی گروهی دیگر این روش را نپسندیدند و سرانجام تصمیم گرفتند با امیر المؤمنین □ در این باره مشورت کنند. امام □ آنان را از برخورد عملی و خشونت‌آمیز با ابوبکر بر حذر داشت و یادآور شد چنین برخوردی در آن شرایط مصلحت نیست. چنانکه خود آن حضرت بیعت را با اکراه پذیرفت. بر این اساس، از آنان خواست روش مدارا را برگزینند، ولی به مسجد بروند و آنچه را از پیامبر اکرم □ در این باره شنیدند، به مردم ابلاغ کنند تا حجّت بر آنان تمام شود.

آنان به سفارش امام □ وارد مسجد شدند و یکی پس از دیگری قیام کردند و با ابوبکر به احتجاج پرداختند. نقل مشروح سخنان آنان در این مجال نمی‌گنجد، از این رو، مهم‌ترین احتجاج‌های آنان را یادآور می‌شویم:

خالد بن سعید: پیامبر □ فرمود:

ان! علیاً امیرکم من بعدی و خلیفتی فیکم. انّ اهل بیتی هم الوارثون امری و القائمون بأمر امتی. پیامبر □ فرمودند: علی بعد از من امیر شما و جانشین من در میان شماست. به راستی، اهل بیت من، وارثان امر من و بر پا دارندگان امور امت من هستند.

۲. ابوذر غفاری: پیامبر اکرم □ فرمود: الامر لعلی بعدی ثم الحسن و الحسین ثم فی اهل بیتی من ولد الحسین.

نیز پیامبر □ فرمودند:

مسئولیت امور پس از من بر عهده علی □ است. پس از او بر عهده حسن و حسین و پس از آن‌ها نیز در میان فرزندان حسین خواهد بود.

۳. مقداد بن اسود:

قد علمت ان هذا الامر لعلی □ و هو صاحبه بعد رسول الله □.

دانستم امر خلافت برای علی است و او صاحب این امر پس از رسول خدا □ است.

۴. بریده اسلمی:

یا ابابکر! اما تذكر اذا امرنا رسول الله □ و سلّمنا علی علی □ یا مره المؤمنین.

ای ابوبکر! آیا به یاد داری که رسول خدا □ به ما دستور داد به علی با عنوان امیرالمؤمنین سلام کنیم.

۵. عبدالله بن مسعود: علی بن ابی طالب □ صاحب هذا الامر بعد نبیکم فاعطوه ما جعله الله له

و لا ترتدوا علی اعقابکم فتقلبوا خاسرین؛
 علی بن ابی طالب بعد از پیامبر □ صاحب امر خلافت است. پس آنچه را که خداوند
 برای او داده به او بدهید و مرتد نشوید که دچار خسران می شوید.
 ۶. ابوالهیثم بن تیهان: قال النبی □: اعلموا ان اهل بیته نجوم اهل الارض فقدّموهم ولا تقدّموهم؛
 بدانید اهل بیت من ستارگان اهل زمین هستند. آنها را مقدم دارید و از آنها پیشی نگیرید.
 ۷. سهل بن حنیف: انی سمعت رسول الله □ قال: امامکم من بعدی علی بن ابی طالب و هو
 انصح الناس لأمتی.
 شنیدم که پیامبر □ فرمودند: امام شما پس از من، علی بن ابی طالب است و او ناصح ترین
 شخص برای امت من است.
 ۸. ابو ایوب انصاری: قد سمعتم کما سمعنا فی مقام بعد مقام من نبی الله □ انه (علی) اولی به منکم،
 همانا شنیدم همان گونه که شنیدید بارها و بارها از پیامبر □ که علی □ به مقام خلافت
 اولی تر از شماست.
 ۹. زید بن وهب: وی و گروهی دیگر نیز سخنانی چون سخنان پیشین بیان کردند.
 (صدوق: ۱۳۷۰ش: ابواب اثنی عشر، ص ۱۳۷، ح ۴)
 ابوبکر پیش از آن که از دنیا برود، عمر را به جانشینی خود برگزید. به گفته ابن قتیبه،
 نخست در وصیت نامه ای که ابوبکر املا می کرد و عثمان بن عفان می نوشت، عمر را به
 خلافت پس از خود برگزید. آن گاه دستور داد مردم اجتماع کنند. سپس خطاب به آنان
 گفت: ای مردم چنانکه می بینید من در آستانه سفر آخرت قرار دارم و شما به رهبری نیاز
 دارید که زمام امور شما را عهده دار شود، نماز جماعت را برپا کند و با دشمنان باجنگد.
 اگر می خواهید من در این باره تصمیم بگیرم و فردی را برگزینم.. آنان با درخواست او
 موافقت کردند. (ابن قتیبه، ۱۳۸۰ق: ج ۱، ص ۲۴ و ۲۵)
 خلافت عمر ده سال ادامه یافت. در این دوران، برای شیعه تحوّل خاصی رخ نداده.
 شیعیان به پیروی از امیر مؤمنان □ روش مدارا با دستگاه خلافت را برگزیده بودند. از
 سوی دستگاه خلافت نیز در مورد امام علی □ و شیعیان، روش خشونت آمیزی گزارش
 نشده است، بلکه در گرفتاری ها و مسائل علمی و سیاسی از رأی و نظر امام علی □
 بهره گیری می شد.

تحلیل وضعیت پیدایش فتنه از منظر امام علی □

امام علی □ با تأکید بر فراگیر بودن فتنه‌ها و تلقی آنها به عنوان میدان‌های آزمایش الهی می‌فرماید:

بدانید - که روزگار - دگر باره شما را در بوتهٔ آزمایش ریخت؛ مانند روزی که خدا پیامبر شما را برانگیخت. (نهج البلاغه، خ ۱۶)

ما در روزگاری به سر می‌بریم که بیشتر مردم آن، بی‌وفایی را از زیرکی می‌دانند و نادان‌ها آن مردم را چاره‌اندیش خوانند. (همان، خ ۴۱)

این روزگاری است که ساز و ساخت شیطان قوی‌تر گردیده و فریب و بدسگالی او فراگیرتر گشته و شکار وی در دسترس قرار گرفته است (همان، خ ۱۲۹)

ایشان در خطبه پنجاه، دو علت اساسی در بروز فتنه‌ها و تأثیرات سوء آنها را معرفی می‌کنند: یکی پیروی از خواهش‌های نفسانی و دیگری بدعت در حکم‌های آسمانی.

گاهی حضرت برای جلوگیری از فتنه و خطری بزرگ که متوجه اسلام و مسلمانان است، حتی از حق خود نیز گذشت می‌کرد؛ از جمله این موارد، بیعت با خلیفه دوم است. (آیتی، ۱۳۶۶: ص ۴۵)

این اقدام، به منظور هدایت چالش‌های فکری و سیاسی اسلام به سوی حفظ وحدت و انسجام بود. امام علی □ حفظ وحدت و حیات و ممات جامعه را در حضور یا غیبت قرآن در آن می‌داند. ساز و کار فراگیر امر به معروف و نهی از منکر از نظر ایشان استقرار و احترام به اصول قرآن را در جامعه تضمین می‌کند و فرهنگ قرآنی را ایجاد و تداوم می‌بخشد. نیز دوری از این امور، زمینه‌های سوء استفاده از دین و تهی شدن دین از محتوایش را فراهم می‌کند. (محلّاتی، ۱۳۴۹ق: ص ۴۵)

نیز حضرت می‌فرماید:

زنده داشتن قرآن، فراهم آمدن بر داوری آن است و میراندن آن جدا گردیدن و نپذیرفتن احکام آن. (نهج البلاغه: خ ۱۲۷)

امام علی □ بدعت‌ها و فتنه‌های زمانه را آفت هم‌گرایی امت اسلامی می‌دانست و آن

را یادآور می‌شد. در خطبه ۱۲۷ تأکید می‌کند که:

زود باشد که پس از من بر شما روزگاری آید که چیزی از حق پنهان‌تر نباشد، و از باطل آشکارتر.

این همه برای آن است که به دریا‌های فتنه در شدند و بدعت‌ها را گرفتند و سنت‌ها را

وانهادند. مؤمنان به گوشه‌ای رفتند و گمراهانی دروغ‌زن به زبان آمدند و سخن گفتند.
(همان: خ ۱۵۴)

از این رو، چالش اساسی دوران خلافت امام علی □ جهت انحراف جامعه از پویایی وحدت دوران پیامبر اکرم، رواج بدعت‌ها، جعل سنت‌ها و پایمال شدن اصول قرآنی است.

نتیجه‌گیری

در دوران امام علی □ جامعه اسلامی با سه چالش مواجه شد. یکی چالش نظریه‌سازی در جانشینی پیامبر و خلافت بر مسلمانان؛ دوم، رجعت دوباره به سوی احیای فرهنگ جاهلی و سوم، چالش فکری - سیاسی که در جنبه‌های مختلف جامعه اسلامی پس از رحلت پیامبر فراهم شده بود. چالش نخست به ایجاد دو نظریه امامت و خلافت انجامید و دیگری سبب بروز تحولات ماندگار بدعت‌آور و انحراف دینی در جهان اسلام شد.

در این دوران، رشد اسلام در سرزمین‌های مختلف و ورود اندیشه‌های گوناگون، بستری برای بروز اندیشه‌های متضاد فراهم آورد. در چنین فضایی فرهنگ جاهلی با بهره‌برداری از انحرافات پدید آمده، رویش دوباره آغاز کرد و پر و بالی دوباره یافت. با قتل عثمان، گسست میان مردم و حکومت افزون گشت و حق شورش علیه حاکم صورت عینی به خود گرفت. امام علی □ در حالی که هم اسلام (قرآن و سنت) و هم خودش در غربت به سر می‌بردند، زمام امور را به دست گرفت و از همان دوران در جهت حفظ وحدت امت اسلامی عمل کرد. گرفتاری امام این بود که با جاهلانی سخن می‌گفت که نه وی را می‌شناختند و نه سخن او را در می‌یافتند تا آنجا که وی از سرزنش ایشان خسته شد و آرزوی هجرت به دیار ابدی نمود. امام علی □ با همه مخالفانش، مقابله کرد.

از نظر حضرت علی سه گروه مخالف می‌توانست وجود داشته باشد: پیمان‌شکنان، افراط‌گرایان و طمع‌کاران به قدرت. این سه گروه سرانجام امام را به سه جنگ وادار کردند: جنگ جمل که پیکار با ناکثین بود؛ منفعت‌طلبان و جاه‌طلبانی که سابقه‌ای درخشان در خدمت به اسلام داشتند. دسته دوم، قاسطین بودند؛ همان گردنکشان و مخالفان فرهنگ قرآنی که طرفدار فرهنگ جاهلی بودند. دسته سوم، مارقین و خارج‌شدگان از حدود دین بودند؛ کسانی که به علت مغرور شدن به عبادت، از درک و تحلیل درست وقایع درمانده بودند و از این رو طغیان آغاز کردند.

امام در مجموع با طرد قصاصون، پذیرش سه جنگ با سه گروه اصلی از مخالفان قرآن و سنت و ارائه الگوی عملی از پیروی دستورهای قرآن، در تقویت دست آوردهای پیامبر اکرم □ و اصلاح انحراف‌های به وجود آمده کوشیدند. تلاش امام علی □ در جهت حفظ وحدت جامعه اسلامی سبب شد با چالش‌های فکری - سیاسی دوران خویش با خویش‌داری و آگاهی عمیق عمل کند و عمده‌ترین چالش‌هایی را که در این مقاله تشریح گردید با تأکید بر راهبرد حفظ وحدت در میان مسلمانان رهبری کند.

منابع و مأخذ

۱. قرآن کریم
۲. نهج البلاغه
۳. ابن ابی الحدید، ۱۳۸۰، شرح نهج البلاغه، بیروت، الثقافه
۴. ابن قتیبه، ۱۳۸۰، الامامه و السیاسه، بیروت، الموارث.
۵. ابوجعفر محمد بن عبدالله اسکافی معتزلی، المعیار و موازنه، ترجمه مهدوی دامغانی، تهران، نشر نی ۱۳۷۴.
۶. آیتی، محمد ابراهیم، ۱۳۶۶، تاریخ پیامبر اسلام، تصحیح ابوقاسم گرجی، تهران، دانشگاه تهران.
۷. باقلانی، قاضی ابوبکر، ۱۳۳۶، التمهید، تصحیح ریچارد مکارتی، بیروت، چاپ دوم.
۸. بغدادی، عبدالقادر، ۱۳۸۰، الفرق بین الفرق، بیروت، الثقافه.
۹. تفتازانی، سعدالدین، ۱۳۶۸، المواقف، بیروت، الثقافه.
۱۰. تفتازانی، سعدالدین، ۱۳۷۸، شرح العقاید النسفیة، اسلامبول، صبا.
۱۱. جعفریان، رسول، ۱۳۷۶، حیات فکری و سیاسی امامان شیعه □، قم، انصاریان، چ اول.
۱۲. الزهری، محمد بن منیع، طبقات الکبری، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۳۷۵.
۱۳. صدوق، ۱۳۷۰، النخصال، ابواب اثنی عشر، قم، انتشارات اسلامیة.
۱۴. عسگری، سید مرتضی، ۱۳۷۹، نقش ائمه در احیای دین، ج ۱۶، نشر کنگره، چ دوم.
۱۵. کاندهلوی، شیخ محمد یوسف، ۱۳۶۴، حیاة الصحابه، بیروت، دارالفکر.
۱۶. مجلسی، محمدباقر، ۱۳۷۰، بحار الانوار، قم، انتشارات اسلامیة.
۱۷. محلاتی، رسول، ۱۳۶۲، مقاتل الطالبیین، اصفهانی، ابوالفرج، مقدمه و تصحیح علی اکبر غفاری، تهران، نگین، چاپ دوم.